

ثبات مالی بانک و مدیریت ریسک در بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

شبهلا اسگندری

کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی خزر محمود آباد، محمودآباد، ایران. (نویسنده مسئول).
sozesabz@gmail.com

سید محمدرضا میرحسینی

دانشجوی موسسه آموزش عالی نیما، محمودآباد، ایران.
reza189865@gmai.com

چکیده

ثبات فعالیت یکی از مباحثی است که ریشه در بطن واحدهای تجاری دارد. موسسات و نهادهای مالی همیشه به دنبال دستیابی به ثبات مالی، خصوصاً ثبات در کسب درآمد می‌باشند. چارچوب نهادینه فعالیتها و فرایندهای سازمانی موسسات و نهادهای مالی، همان رقابت‌پذیری و بهسازی فعالیت‌های مالی می‌باشد که به طور مستقیم و گاه غیر مستقیم با فعالیت‌های سودآور این نهادها در ارتباط می‌باشد. در سازمانهای خدماتی نظیر بانکها، صنعت حمل و نقل، خدمات درمانی، بیمه، هتل ها و... ساختار مناسب و پیش بینی شده سودآوری از حساسیت بیشتری برخوردار است. هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین ثبات مالی بانک و مدیریت ریسک در بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. این پژوهش از نوع مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیلی - علمی بوده و مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی (پانل دیتا) است. در این پژوهش اطلاعات مالی ۱۴ بانک پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ بررسی شده است (۸۴ بانک - سال). برای تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده پژوهش از نرم‌افزار ۹ Eviews استفاده شده است. نتایج تحقیق در ارتباط با فرضیه اول پژوهش نشان از آن داشت که بین ثبات مالی بانک و ریسک اعتباری رابطه معنی داری وجود ندارد. همچنین با توجه به تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته در ارتباط با فرضیه دوم پژوهش به این نتیجه رسیدیم که بین شاخص‌های ثبات مالی یعنی متغیرهای نسبت های تامین مالی، نسبت اهرمی، نسبت بدهی به کل سپرده ها با ریسک نقدینگی ارتباط معنی داری وجود دارد اما سایر متغیرها رابطه ای نداشتند. در ادامه نتایج پژوهش در ارتباط با فرضیه سوم پژوهش حاکی از آن بود که بین ثبات مالی بانک و ریسک عملیاتی رابطه معنی داری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: ثبات مالی بانک، مدیریت ریسک، ریسک نقدینگی، ریسک عملیاتی، ریسک اعتباری.

مقدمه

ثبات فعالیت یکی از مباحثی است که ریشه در بطن واحدهای تجاری دارد. موسسات و نهادهای مالی همیشه به دنبال دستیابی به ثبات مالی، خصوصاً ثبات در کسب درآمد می‌باشند (هو و همکاران، ۲۰۱۳). فعالیتها و فرایندهای سازمانی بانک‌ها با سودآوری بانک‌ها در ارتباط است، اهمیت بسیار زیادی دارد (ایباد و همکاران، ۲۰۱۰). چارچوب نهادینه فعالیتها و فرایندهای سازمانی موسسات و نهادهای مالی، همان رقابت‌پذیری و بهسازی فعالیت‌های مالی می‌باشد که به طور مستقیم و گاه غیر مستقیم با فعالیت‌های سودآور این نهادها در ارتباط می‌باشد (بیک و همکاران، ۲۰۰۵). در سازمانهای خدماتی نظیر بانکها، صنعت حمل و نقل، خدمات درمانی، بیمه، هتل ها و... ساختار مناسب و پیش بینی شده سودآوری از حساسیت بیشتری برخوردار است (چوی و حسن، ۲۰۰۵).

ثبات مالی بانک‌ها به ایجاد تعامل و ثبات و پایداری سیاست‌های پولی و مالی بانک‌ها طی یک دوره زمانی مشخص ثبات مالی بانکی گفته می‌شود. همچنین بهسازی بانکی به میزان تاثیرگذاری مجموع متغیرهای رتبه اعتباری بانک، نوسانات نرخ بهره بانکی، قوانین نظارت بانکی و نوسانات نسبت درآمد غیر عملیاتی بر افزایش کارایی و بهره‌وری بهسازی بانکی اطلاق می‌شود و در تعریف مالکیت خارجی، درصد سهام نگهداری شده توسط شرکت‌های دولتی و عمومی از کل سهام سرمایه گفته می‌شود، که این شرکتها، شامل شرکتهای بیمه، موسسه‌های مالی، بانکها، شرکتهای دولتی و دیگر اجزای دولت می‌باشد.

بیان مسأله

مسئله مهمی که از بی‌ثباتی مالی وجود دارد این است که، بی‌ثباتی مالی مؤسسات عامل کلیدی نشئت گرفته از بحران مالی بانکها است. نیازهای سرمایه‌ای باید با ریسک واقعی بانکها هم تراز شوند (ویلیام پول، ۲۰۱۵). بخشی از مالکیت بانک‌ها و مؤسسات مالی در دست سهامداران عمده، سازمان‌های دولتی، شرکتها (خصوصاً شرکت‌های سرمایه‌گذاری) می‌باشد (گوپتا و همکاران، ۲۰۱۱). بنابراین ممکن است سیاست‌های مالی بانک‌ها تحت تاثیر سیاست‌های مالکان عمده قرار گرفته و منجر به تغییر ثبات رویه گردد (جیون و همکاران، ۲۰۱۱). دالکا و کونو والووا (۲۰۱۴) بیان میکنند که، ارزیابی کفایت سرمایه بانکها از اهمیت زیادی برخوردار است چرا که، ارتباط میان ریسک بانکی و سرمایه را که از شرایط ثبات مالی است، تضمین می‌کند.

بسیاری از محققان اثرات کفایت سرمایه و مدیریت ریسک را مورد بررسی قرار دادند، از جمله احمد و همکاران (۲۰۱۱) دریافته‌اند که کفایت سرمایه رابطه منفی و معناداری با ریسک اعتباری دارد و از طرف دیگر رابطه معنادار و مثبتی با ریسک عملیاتی و ریسک نقدینگی دارد.

مشتری مایه حیات بانکها هم هست و اگر با توجه به انتشار اطلاعات از طریق مراجع رسمی احساس کاهش اعتبار و بالا رفتن بدهی و سودآوری پایین در بانک مورد اعتماد خود را ننماید، به سرعت سرمایه و سپرده خود را به مکانی دیگر انتقال خواهد داد، بنابراین به سرعت توان رقابتی بانک نسبت به بانک‌های دیگر کاهش خواهد یافت (لویس، ۲۰۰۳). بنابراین جامعه از سامانه بانکی انتظار دارد که ضمن تلاش در جهت جذب سپرده‌ها و تخصیص مناسب آنها در فعالیتهای مفید اقتصادی که در نهایت منجر به سودآوری بانکها و مؤسسات اعتباری می‌شود، به موازات پیشرفت‌های همه‌جانبه اقتصادی و اجتماعی نیز حرکت کرده و بدهی خود را در حد معقول کنترل نموده، به طوری که بنحو موثری در تحقق توقعات و نیازهای مشتریان گام برداشته و خود را با نیازهای جامعه هماهنگ سازد و در نهایت سطح پایداری و ثبات مالی خود را حفظ نماید (یونیت و سولیوان، ۲۰۰۳). فعالیتهای غیر مالی بانکها ریشه در توقعات مدیران این نهادهای مالی در کسب بالاترین سود ممکن می‌باشد (مرکان و همکاران، ۲۰۱۳).

نسبت پوششی یا همان NPL بهترین شاخص تأمین مالی در بانکهاست. علاوه بر این، نسبت پوششی یکی از بهترین ابزارهای کلان اقتصادی برای کاهش ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی بانکها است.

احمد و همکاران (۲۰۱۱) دریافته‌اند که، نسبت NPLs بانکهای اسلامی منفی است و نسبت پوششی رابطه منفی و معناداری با ریسک عملیاتی و نقدینگی دارد. همین نتیجه را می‌توان در پژوهش موریتالا و تایمو (۲۰۱۴) مشاهده کرد. از نقطه نظر دیگر، هنیف و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی اثر مدیریت ریسک بر وامهای غیر فعال پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که، کمبود مدیریت ریسک، سودآوری بانکها را به دلیل عدم ارائه وام تهدید می‌کند.

عدم اطمینان محیطی و شدت رقابت سازمانها و مدیران، آنها را با چالشهای متعدد مواجه ساخته است. برای مدیر مؤثر این چالشها، رویکردهای نوین مدیریت و شایستگیهای خاص طرح و توصیه شده است. شناسایی و مدیریت ریسک یکی

از رویکردهای جدید است که برای تقویت و ارتقای اثربخشی سازمانها مورد استفاده قرار می گیرد. به طور کلی، ریسک با مفهوم احتمال متحمل زیان و یا عدم اطمینان شناخته می شود که انواع مختلف و طبقه بندی های متنوع دارد. یکی از این طبقه بندی ها ریسک سوداگرانه و ریسک خطرناک است. تمامی اشکال ریسک شامل عناصر مشترکی چون محتوا، فعالیت، شرایط و پیامدها هستند. طبقه بندی دیگر ریسک استراتژیک و ریسک عملیاتی است. مدیریت ریسک به مفهوم سنجش ریسک و سپس اتخاذ راهبردهایی برای مدیریت ریسک دلالت دارد. انواع ریسک ها برحسب احتمال وقوع و تأثیر آنها قابل تقسیم است که نتیجه آن پورتفوی ریسک و اعمال استراتژی های مناسب (انتقال، اجتناب، کاهش و پذیرش) است. لذا مساله اصلی این است که آیا بین ثبات مالی بانک و مدیریت ریسک رابطه معناداری وجود دارد یا خیر؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت بررسی ثبات مالی موسسات و نهادهای مالی و تاثیرگذاری این متغیرها در سایر متغیرها نشات گرفته از انگیزه های مالکان نهادی این موسسات می باشد (بارث و همکاران، ۲۰۰۴). اندیشمندان، پیدایش مفهوم بهسازی بانکی را معلول رشد فزاینده سازمانها و حاکم شدن فضای بسیار رقابتی بر بانک ها می دانند؛ از سوی دیگر در چند سال اخیر، الگوهای متعددی از افزایش بهره وری و سودآوری و انجام سرمایه گذاری های نوین، فراخور هر بانک با توجه به سیاست های مدیریتی آن و نیز با توجه به نیازها، رفتار مشتریان، فرهنگ ملی و فرهنگ سازمانی مختص به خود، توسعه پیدا کرده اند (برگر و همکاران، ۲۰۰۹). بررسی تاثیرگذاری متغیرهایی مانند رتبه اعتباری بانک، نوسانات نرخ بهره بانکی، قوانین نظارت بانکی و نوسانات نسبت درآمد غیر عملیاتی بر نوسانات مالکیت خارجی موسسات و نهادهای مالی و ثبات پذیری مالی می تواند به عنوان انگیزه بنیادی در افزایش بهره وری و کارایی در بانک ها و نهادهای مالی گردد. جذب سرمایه گذاران در بازار سرمایه بانکی کشورمان با توجه به نوپا بودن بازار سرمایه بانکی نسبت به کشورهای پیشرفته از نظر مدیران بسیار با اهمیت بوده و در راستای رسیدن به این هدف شناسایی روابط عواملی مانند: بهسازی بانکی از طریق کنترل نوسانات بازده دارایی ها و بهسازی بانکی از طریق کنترل نوسانات بازده حقوق صاحبان سهام و بهسازی بانکی از طریق کنترل نسبت سرمایه و نسبت نوسانات مالکیت خارجی و بهسازی بانکی از نسبت نوسانات مالکیت خارجی شرکت و تاثیرگذاری آن بر ثبات مالی بانک ها، می تواند راه گشای اساسی در دستیابی به هدف غایی بانک ها و موسسات اعتباری باشد.

مبانی نظری

یکی از مواردی که می تواند بقای بانک ها را تضمین کند، عملکرد و توجه به کارایی بالای خدمات ارائه شده است. ارتقای سطح رضایتمندی مشتری، باعث ارتقای میزان سودآوری و افزایش سهم بانک ها در بازار رقابت خواهد شد. البته رضایتمندی مشتریان کافی نبوده و بانک ها نباید به رضایتمندی مشتریان دلخوش کنند، آنها باید مطمئن شوند که مشتریان رضایتمندشان، وفادار هم هستند. به این ترتیب در بلند مدت منافع حاصل می شود که در نتیجه، سهم بازار و سودآوری بانک ها و در نهایت عملکرد مالی افزایش می یابد. تشکیل بانک با مسولیت محدود و گشودن مالکیت بانک برای عموم، بر روش اداره بانک ها، تأثیر قابل ملاحظه ای گذاشت. سیستم بازار به گونه ای سازماندهی گردید که مالکان بانک ها، اداره بانک را به مدیران بانک تفویض کنند.

یکی از مهمترین بحث های مدیریت یک واحد انتفاعی، مدیریت سرمایه در گردش آن است که نقش قابل توجهی در رشد و بقای واحد انتفاعی ایفا می کند. مدیریت سرمایه در گردش در دو گروه مدیریت دارائی های جاری و مدیریت بدهی های جاری تقسیم می شود. با توجه به سیستم اقتصادی و تغییرات مداوم در عوامل محیطی، موضوع مدیریت

ریسک در نحوه اداره سازمان های مالی و خدماتی از اهمیت ویژه ای برخوردار شده است. در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ مدیریت ریسک مورد توجه مقامات ارشد و اجرایی شرکت ها قرار گرفت. مدیریت ریسک می تواند همانند هر متغیر دیگری بر سود شرکت اثر بگذارد. شرکت هایی که بتوانند مسایل مربوط به ریسک را به خوبی اداره نمایند می توانند بر عوامل محیطی تسلط یابند. مدیریت برای افزایش ارزش شرکت می کوشد تا مجموع ارزش فعلی خالص جریان های نقدی آینده را به حداکثر برساند. تصمیمات مدیران شرکت ها بر افزایش یا کاهش ارزش شرکت ها اثر تعیین کننده ای دارد. از این نظر، تصمیمات مدیران باید به گونه ای باشد تا ارزش شرکت به بالاترین حد ممکن خود برسد.

معیارها و نسبت های سودآوری در بانک ها و تاثیر آن ها بر رقابت بانکی

شاخص های کلیدی سود آوری در بانک ها عبارتند از:

بازده دارایی

این نسبت که از تقسیم سود خالص پس از کسر مالیات بر متوسط کل داراییها بدست می آید، توان بانک را در بکارگیری کل منابعی که در اختیار دارد نشان می دهد و بدین ترتیب جهت ارزیابی عملکرد بانک و مدیران آن فراهم می سازد.

نسبت بازده سرمایه

این نسبت حاصل تقسیم سود بعد یا قبل از کسر مالیات بر مجموع سرمایه است. این نسبت سودآوری سرمایه و منابع مالی متعلق به صاحبان سهام را نشان می دهد، بالا بودن این نسبت چه به صورت مطلق و چه در مقایسه با سایر بانکها معرف کارایی یا بازدهی مطلوب و بالای بانک برای سهامداران بانک خواهد بود.

نسبت مابه التفاوت نرخ سود دریافتی و پرداختی

نسبت فوق یکی از مهمترین شاخص های سود آوری هر بانک است و از تفاوت نرخ بازده تسهیلات (سود و وجه التزام دریافتی تقسیم بر کل وامهای پرداخت شده) و هزینه تامین پول (سود پرداختی به سپرده گذاران تقسیم بر کل سپرده های مشتریان) محاسبه می گردد. هر چه نسبت فوق بالاتر باشد سودآوری بانک بیشتر است.

نسبت هزینه به درآمد

یکی از معیارهای مهم برای تشخیص کارایی یک بانک نسبت هزینه به درآمد کل می باشد. بانک ها به منظور افزایش سود آوری و رفاه سهامداران، به دنبال افزایش درآمد و سپس کاهش هزینه های خود می باشند. از طرفی افزایش درآمد بستگی به عواملی دارد که به راحتی امکان پذیر نمی باشد، و در مقابل کاهش هزینه ها و صرفه جوئی در آن می توانند به عمده ترین هدف خود، یعنی کسب سود بیشتر برسند (وکیلی، ۱۳۸۵).

نسبت سود حاشیه ای خالص

این نسبت از تقسیم خالص بهره دریافتی بر جمع داراییها بدست می آید، به منظور محاسبه این نسبت در بانک های ایرانی، به علت اعمال و اجرای بانکداری بدون ربا و حذف بهره و جایگزینی سود به جای آن، و همین طور عدم تفکیک سود در صورت های مالی بانک ها، از سهم سود بانک و درآمد حق الوکاله استفاده می شود. هرچه نسبت فوق بیشتر باشد، سود آوری بانک قوی تر است (کلاسنس و لاورین، ۲۰۰۴).

نسبت های سرمایه ای برای بانکها

نسبت های سرمایه ای در بانکها به شرح ذیل تقسیم می شوند:

نسبت دارایی ثابت به حقوق صاحبان سهام

این نسبت نشان می دهد که داراییهای ثابت چند درصد سرمایه بانک را تشکیل می دهند یا اینکه چقدر از سرمایه بانک صرف خرید داری های ثابت شده است. میزان سرمایه گذاری در دارایی ثابت بستگی به نوع صنعت دارد، نسبت فوق در بانک ها هر چه کمتر باشد بهتر است (هاسوالد و مارکوییز، ۲۰۰۶).

نسبت سرمایه به دارایی ها

این نسبت بیانگر قدرت حمایتی بانکی از سوی صاحبان سهام سرمایه گذاری شده در آن است، هر چه بیشتر باشد نشان دهنده قدرت ثابت بیشتر واحد انتفاعی است، زیرا سهم بیشتر منابع، از محل حقوق صاحبان سرمایه تامین می شود (ستورلی و گامبرا، ۲۰۰۱).

نسبت کل بدهی به حقوق صاحبان سهام

نشان دهنده توان بانک جهت واریز بدهی های خود از محل سرمایه می باشد و هرچه کمتر باشد بهتر می باشد زیرا توان بانک جهت واریز بدهی ها بیشتر می باشد (کوثری، ۲۰۰۴).

نسبت بدهی

این نسبت نشان دهنده آنست که چقدر از دارایی های بانک را بدهی ها تشکیل می دهد. هر چه قدر کمتر باشد بهتر است به طور کلی وام دهندگان، نسبت بدهی کم را ترجیح می دهند زیرا آن را به معنای سلامت وضعیت خود و ایمنی بیشتر تلقی می کنند (پادیلا و پاچانو، ۲۰۰۰).

شاخص های عملکرد عوامل

شاخص های عملکرد در معنای خاص، شاخصهایی هستند که بر حسب نوع فعالیت یک صنعت مشخص و تعریف شده ای وجود دارد. این شاخص ها می تواند در مورد یک شرکت در طول چند سال محاسبه، روند آنها تعیین در تحلیل مالی یک شرکت مفید واقع شوند یا اینکه این شاخص ها برای چند شرکت در یک سال محاسبه و در مقایسه ارزیابی عملکرد شرکت های مختلف موثر باشند (اسچاک و همکاران، ۲۰۰۹). شاخص های عملکرد عوامل در بانکها با توجه به تفاوت آنها با سایر موسسات به شرح ذیل می باشد:

سرانه شعب از سپرده

این نسبت حاصل تقسیم، کل سپرده های بانک بر تعداد شعب می باشد و نشان دهنده توان بانک در جذب سپرده به ازای تعداد شعب می باشد و نیز هرچه این نسبت بالاتر باشد، معرف استفاده بهینه بانک از شعب خود و نیز بهینه کردن هزینه است.

سرانه شعب از تسهیلات

این نسبت حاصل تقسیم جمع تسهیلات بانک بر تعداد شعب بانک می باشد. نسبت فوق نشان دهنده استفاده بهینه بانک از شعب خود در جهت پرداخت تسهیلات می باشد و هر چقدر بیشتر باشد، بهتر می باشد.

سرانه شعب از سود خالص

این نسبت حاصل تقسیم سود خالص بانک بر تعداد شعب بانک می باشد. نسبت فوق نشان دهنده کسب سود خالص به تعداد شعب هر بانک می باشد، هر چقدر بالاتر باشد، بانک موفق تر است.

سرانه پرسنل از سپرده

این نسبت حاصل تقسیم سپرده کل بانک بر تعداد کل پرسنل بانک می باشد. نسبت فوق نشان دهنده استفاده بانک از پرسنل جهت جذب سپرده می باشد و هرچقدر بالاتر باشد، باعث سودآوری بیشتر بانک از محل جذب سپرده ها می باشد.

سرايه پرسنل از تسهيلات

اين نسبت حاصل تقسيم كل تسهيلات بانك بر تعداد كل پرسنل بانك مي باشد. نسبت فوق نشان دهنده استفاده بهينه بانك از پرسنل جهت پرداخت وام هابه مشتريان و كسب سود و بهينه كردن هزينه هاي پرسنلي مي باشد.

سرايه پرسنل از سود خالص

اين نسبت حاصل تقسيم سود خالص بانك بر تعداد كل پرسنل بانك مي باشد. نسبت فوق نشان دهنده استفاده بانك از پرسنل جهت سود آوري مي باشد و هرچقدر بالاتر باشد، بانك در كسب سود و مصرف بهينه هزينه كارا تر مي باشد (تورك آريس، ۲۰۱۰).

ويژگي هاي خدمات بانكها

خدمات داراي چهار ويژگي مهم مي باشد كه عبارتند از:

۱) ناملموس بودن: مقصود از نامشهود بودن خدمات اين است كه هنگام خريد نمي توان خدمات را با چشم ديد، مژه آن را چشيد، آنها را احساس نمود، شنيد يا از بوي آنها آگاه شد. خريداران براي کاهش دادن عدم اطمينان مي كوشند در مورد كيفيت نوع خدمت به نشانه هايي دست يابند. از اين رو، وظيفه يا تخصص كسي كه خدمتي را ارائه مي كند اين است كه اين خدمت را به گونه اي قابل لمس نمايد. در حالي كه بازياب هاي محصول مي كوشند در سايه تلاشهاي مشهود بر ميزان نامشهودي اقلام عرضه شده بيفزايند، بازياب هاي خدمات مي كوشند بر ميزان مشهود بودن اقلام نامشهود يا ناملموس بيفزايند.

۲) غير قابل تفكيك بودن: كالاهاي فزيكي توليد مي شوند، آنها را در انبار مي گذارند، سپس به فروش يا در نهايت به مصرف مي رسند. برعكس، خدمات را نخست مي فروشد، آنگاه (به صورت همزمان) آنها را توليد و مصرف مي كنند. مقصود از تفكيك ناپذيري خدمات اين است كه نمي توان خدمات را از كسي كه آنها را ارائه مي كند جدا كرد، چه اينكه ارائه كننده خدمت انسان يا دستگاه (ماشين) باشد. اگر كارگر يا كارمندی خدمتي را ارائه كند، در آن صورت وي بخشي از اين خدمت به حساب مي آيد. از آنجا كه مشتري هم هنگام توليد خدمت حضور دارد، يكي از ويژگي هاي خاص بازيابي خدمات اين است كه رابطه متقابل بين ارائه كننده خدمت و مشتري وجود دارد. ارائه كننده خدمت و مشتري، هردو بر نتيجه حاصل از خدمت اثر مي گذارند (مارتينز-ميرا و رپولو، ۲۰۱۰).

۳) گوناگون بودن: مقصود از متغير بودن خدمت اين است كه كيفيت خدمت به عوامل زير بستگي دارد: ارائه كننده خدمت، زمان، مكان و شيوه اي كه اين خدمت ارائه مي شود.

۴) غير قابل نگهداري بودن: اين كه مي گويند خدمات غيرقابل نگهداري يا به بيان ديگر فاسدشدني است، بدین معنی است كه نمي توان خدمات را در انبار گذاشت و پس از مدتي آنها را فروخت يا به مصرف رسانيد. اگر ميزان تقاضا ثابت و پايدار باشد، مسأله غيرقابل نگهداري بودن خدمت حل مي شود ولي هنگامی كه تقاضا نوسان داشته باشد، سازمان های ارائه كننده خدمات با مسائل و مشكلاتي رو به رو مي شوند. از اين رو سازمان های خدماتی می كوشند استراتژي هايي تدوين نمايند كه بين عرضه و تقاضا رابطه بهتري برقرار شود (اسچاك و كيهاك، ۲۰۱۰).

مدیریت ارتباط با مشتریان عملکردی و ایجاد پایداری بانکی

مدیریت ارتباط با مشتری عملکردی شامل اتوماسیون فرایندی تجاری است كه به صورت افقی به هم پیوسته اند. این بخش شامل نقاط تماس با مشتری در فرانت آفیس از جمله بازاریابی، استخدام، خدمات به مشتری و كاركردهای بك آفیس مثل منابع انسانی، مالی و... است. این بخش كلیدی شامل مدیریت کلی و مدیریت فرصتها و يك مركز تماس -

مرکز تعامل با مشتری - است. با این حال، منابع انسانی، مالی و سایر سیستم‌های عملکردی، اطلاعات لازم برای مدیریت ارتباط با مشتریان را در اختیار دارند. بسیاری از فروشندگان سیستم "برنامه ریزی منابع سازمانی" هم اکنون، بواسطه کسب یا فراهم آوردن قابلیت‌های ارتباط عملی با سیستم مدیریت ارتباط با مشتریان، وارد بازار سیستم های مدیریت ارتباط با مشتریان می شوند (لاوین و والنسیا، ۲۰۱۰).

مفهوم اعتبار سنجی و کارایی ثبات بانکی

اعتبارسنجی به مفهوم ارزیابی و سنجش توان بازپرداخت متقاضیان اعتبار و تسهیلات مالی و احتمال عدم بازپرداخت اعتبارات ازسوی آنهاست بدین منظور بانکها و موسسات اعتباری از معیارهای خاصی که نشان دهنده عملکرد متقاضی تسهیلات در گذشته باشد، استفاده نموده اند و توان اعتباری متقاضی را برآورد می نمایند. معیارهای اعتبارسنجی در خصوص اعطای وام بزرگ و کوچک متفاوت است و بانکها برای اعطای وامهای بزرگ به ارزیابی دقیق متقاضی و نیز بازدهی مالی سرمایه گذاری وجوه برای وی پرداخته و از طریق تحلیل مالی اقتصادی و نیز بررسی وضعیت مالی حقوقی متقاضی، به ارزیابی قدرت بازپرداخت اعتبارات وی می پردازد لیکن به منظور اعتبارسنجی تسهیلات متوسط و کوچک نظام های امتیازدهی اعتباری ورتبه بندی مشتریان تدوین وتوسعه یافت (فرانک و گوپال، ۲۰۰۹).

مدیریت ریسک

پیچیده شدن محیط های تجاری، جهانی شدن بازارها، افزایش شدید رقابت، پیشرفتهای تکنولوژی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، شیوه های نوین عرضه کالا و خدمات، افزایش اهمیت داراییهای نامشهود و سرمایه های فکری و غیره از عواملی هستند که موجب شده اند تا سازمانها با انواع ریسکها و خطرات پیش بینی نشده مواجه شوند. در ادبیات مالی به منظور کاهش ریسک و جبران زیان های ناشی از آن بحثی تحت عنوان مدیریت ریسک مطرح شده است. در ادامه، این موضوع تشریح و نمونه هایی از ابزار های مدیریت ریسک همانند ابزار مشتقه شامل اختیارهای معامله، قراردادهای آتی، قراردادهای سلف و سوآپها توضیح داده می شوند و نهایتاً فرآیند مدیریت ریسک در قالب چارچوب ارائه شده توسط انجمن مدیران بیمه و ریسک انگلستان بیان می شود (وکیلی فرد، ۱۳۸۸).

ابزارهای مدیریت ریسک

ابزار های مالی کلاً به چهار دسته کلی به شرح ذیل می باشند:

- ۱- ابزارهای مالکیت: ابزارهای مالکیت مربوط به حقوق صاحبان سهام است و رایج ترین آنها سهام عادی است.
- ۲- ابزارهای بدهی: ابزارهای بدهی نشانگر وامی هستند که صاحبان یک شرکت از اشخاص حقیقی و حقوقی می گیرند، مثل وام دریافتی از موسسات مالی و اعتباری و یا اوراق قرضه انتشار یافته توسط شرکتها.
- ۳- ابزار مشتقه: ابزارهای مشتقه ابزارهایی می باشند که ارزش آنها از ارزش سایر اوراق بهادار مشتق می شوند، مثل اختیارهای معامله، قراردادهای آتی و سلف و سوآپها.
- ۴- ابزارهای ترکیبی: ابزارهای ترکیبی، ترکیبی از سه ابزار اول می باشند، مثل اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام عادی.

ریسک در بانک و تاثیر آن بر عملکرد بانکی

پذیرش ریسک یکی از اجزای اصلی و غیرقابل انکار در فعالیتهای بانک محسوب می گردد و در صورتیکه بانک از کلیه ریسکهای موجود اجتناب کند در انزوا و رکود قرار خواهد گرفت. در اصل ریسک و نااطمینانی ریشه در نوع فعالیت بانک

دارد. این موضوع را می توان در ترازنامه و صورتهای مالی بانک به سهولت مشاهده نمود. بانک در قسمت فراهم آوردن وجوه و تامین سرمایه متکی به سپردههای اشخاص حقیقی و حقوقی است و در سمت مصارف نیز قسمت اعظمی از داراییهایش از همین سپرده ها تامین می گردد. هدف از تمامی این اقدامات به حداکثر رساندن سود و افزودن به ارزش سهامداران است که در مسیر دستیابی به آن ریسک و مدیریت آن، درکانون توجه قرار دارد و به گفته دیک و لرت: "واقعیت این است که بانکها به امور مدیریت ریسک مشغول اند و به زبانی ساده و بی پیرایه این یعنی کار بانک."

انواع ریسک های بانکی و تاثیر آن بر رقابت در بانکها

تاکنون دسته بندی های مختلفی برای انواع ریسکهای بانکی ارائه شده است از جمله میتوان به دسته بندی هایی "ریسک سیستماتیک و غیرسیستماتیک"، "ریسک پویا و ایستا"، و یا "ریسک قابل پیش بینی و غیرقابل پیش بینی" اشاره کرد لیکن بطور کلی موارد زیر به طور جامع بیان کننده ریسکهای است که نظام بانکی با آن رو به رو بوده است.

۱- **ریسک ورشکستگی:** عبارت است از ناتوانی بانک در بازپرداخت کلیه بدهی ها از محل نقدکردن داراییها به قیمت روز. در صورت وقوع این ریسک حقوق صاحبان سهام منفی خواهد شد.

۲- **ریسک نقدینگی:** بانکها به چهار دلیل زیر نیاز به نقدینگی دارند:

اول: به عنوان تکیه گاهی برای جایگزین کردن منابع خروجی از بانک.

دوم: برای جبران وجوهی که انتظار می رود به بانک وارد شود، لیکن تحقق نمی پذیرد.

سوم: به عنوان منبعی برای بازپرداخت بدهیهایی که سررسید شده اند.

چهارم: به عنوان منبعی برای پذیرش معاملات جدیدیکه مناسب و مطلوب هستند.

ریسک نقدینگی زمانی اتفاق می افتد که بانکها نتوانند یکی از موارد ذکر شده را برآورده کنند.

بانکها همواره باید مطمئن باشند که دارای ترکیب بهینه ای از داراییها و بدهیها بوده و براساس آن میزان نقدینگی مورد نیاز خود را تامین کنند. انتخاب و گزینش منابع مختلف نقدینگی دربانک به مسائل مختلفی بستگی دارد از جمله (برجر و همکاران، ۲۰۰۹):

• تخمین نقدینگی مورد نیاز.

• دسترسی به بازارهای نقدینگی.

• راهبرد مدیریت.

• هزینه ها و ویژگیهای مختلف نقدینگی.

• پیش بینی نرخ بهره.

وضعیت نقدینگی بانک را می توان به صورت یک نمودار زمانی از منابع و مصارف بیان کرد که بانکها باید شکاف نقدینگی موجود میان محدودیتهای قابل پذیرش را مدیریت کنند. ریسک نقدینگی اغلب در فعالیتهای بانکی پدیده ای اجتناب ناپذیر است زیرا بانکها عموماً اقدام به گردآوری منابع با سررسیدهای کوتاه مدت و اعطای وام و تسهیلات بلندمدت از محل این منابع می کنند. در واقع شکاف بین سررسید داراییها و بدهیهای بانک منجر به ریسک نقدینگی خواهد شد.

۳- **سایر ریسکها:** ریسک شهرت عبارت است از خساراتی که در نتیجه از بین رفتن شهرت به موسسه بانکی وارد می

شود ریسک حقوقی عبارت است از زیان حاصله از کاهش ارزش یک دارایی و یا افزایش یک بدهی به دلیل ناآگاهی موسسه بانکی از قانون و مقررات جاری و سایر ریسکهایی که ممکن است به صورت غیرمترقبه به علت عوامل غیرقابل پیش بینی رخ دهند (اسکندری، ۱۳۸۵).

۴- ریسک عملیاتی: عبارت است از ریسک ناشی از اشکال در کنترل‌های داخلی، خطای انسانی و حوادث غیرمترقبه که در فعالیت عادی موسسات بانکی اختلال ایجاد می‌کند. ریسک عملیاتی یک مسئله کیفی است از نمونه‌های این ریسک می‌توان اختلال در سیستم رایانه‌ای، خطای انسانی، زلزله، سیل، طوفان و یا هر عاملی که فعالیت بانک را مختل کند و از دست دادن کارکنان کلیدی و اعتصاب اشاره کرد.

۵- ریسک بازار: عبارت است از زیان ناشی از تغییرات قیمت دارایی‌های قابل خرید و فروش در اقلام بالای خط و پایین خط ترانزنامه، داراییهایی که توسط بانکها به منظور درجه نقدشوندگی بالا نگهداری می‌شوند در معرض این ریسک قرار دارند.

۶- ریسک نرخ بهره: به معنای آثار تغییر نرخ بهره بر دارایی و بدهیها و سرانجام میزان سودآوری بانک است. این ریسک معمولاً زمانی اتفاق می‌افتد که بین سررسید داراییها و بدهیها و یا نرخ آنها تفاوت وجود داشته باشد.

۷- ریسک فناوری اطلاعات: عبارت است از احتمال بروز زیان ناشی از عدم کفایت سیستمهای فن آوری اطلاعات. اهمیت استفاده از سیستمها و شبکه‌های ارتباطی، نرم افزارها و سخت افزارهای کامپیوتری در فعالیت بانکی، این ریسک در واقع شاخه‌ای از ریسک عملیاتی است.

۸- ریسک اعتباری: باتوجه به اینکه یکی از اصلی‌ترین فعالیت بانکها، اعطای تسهیلات است این ریسک زمینه‌اش ایجاد می‌گردد و به این صورت تعریف می‌گردد چنانچه مشتریان بانک نتوانند به تعهدات خود در بازپرداخت تسهیلات عمل کنند بانک با این ریسک مواجه می‌گردد و این ریسک محدود به نکول مشتریان از بازپرداخت تسهیلات نشده و تاخیر در بازپرداخت را نیز شامل می‌گردد (الهی و حیدری، ۱۳۸۴). تعریف دیگری که کمیته بال از ریسک اعتباری ارائه می‌دهد بدین شرح است. یک ریسک اعتباری به طور ساده عبارت است از امکان بالقوه اینکه قرض گیرنده از بانک و یا طرف حساب وی، در اجرای تعهدات خود در مقابل بانک در مدت مشخص ناتوان شود. شناسایی، بررسی کیفی و کمی، برنامه ریزی برای مقابله با این ریسک یکی از دغدغه‌های مدیران بانکی است زیرا اگر فرآیند پیش گفته (مدیریت ریسک اعتباری) بدرستی صورت نپذیرد افزایش در مطالبات غیرجاری و در مراحل پیشرفته تر ورشکستگی بانک و بحران مالی قطعی است ضمناً چهارشاخص به طور گسترده بعنوان تعیین ریسک اعتباری برای بانکها در نظر گرفته می‌شوند (کارلتی، ۲۰۰۸).

(الف) نسبت دارایی‌های تحقق نیافته (اجرا نشده) به کل وام‌ها و داراییهای استیجاری. دارایی‌های تحقق نیافته داراییهای در آمد زایی همچون وام هاست که ۹۰ روز از سررسید آنها گذشته باشد.

(ب) نسبت خالص وام سوخت شده به کل وام‌ها و دارایی‌های استیجاری. وام‌های سوخت شده وام‌هایی است که امکان وصولشان برای بانک وجود ندارد و عملاً بی ارزش می‌باشند و بانکها آنها را از دفاتر خود خارج نموده‌اند.

(ج) نسبت ذخیره احتیاطی سالیانه زیان وامها به کل وامها و داراییهای استیجاری و یا کل حقوق صاحبان سهام.

(د) نسبت ذخیره مطالبات مشکوک الوصول به کل وامها و داراییهای استیجاری. ریسک اعتباری درحقیقت احتمال اینکه بعضی از داراییهای بانک خصوصاً تسهیلات اعطایی دچار کسر ارزش می‌شوند و این موضوع باتوجه به اینکه سرمایه بانکها نسبت به کل ارزش دارایی‌هایشان رقم قابل توجهی نیست باعث اهمیت این نوع ریسک می‌گردد. ریسک اعتباری بانکها با انجام اقداماتی مانند تمرکز اعطای تسهیلات با حجم بالا به یک فرد، بانک، گروه صنعتی و یا بخش اقتصادی خاص بالا می‌رود و مهمترین ابزاری که بانکها برای مدیریت ریسک اعتباری به آن نیازمندند، سیستم ارزیابی و امتیازدهی اعتباری مشتریان است (وکیلی، ۱۳۸۵).

رحیمی و مهدویانی (۱۳۹۷)، مقاله ای با عنوان "تاثیر ساختار سرمایه بر ثبات مالی بانک ها" مورد بررسی قرار دادند. نتایج مطالعه نشان داد نسبت سرمایه گذاری در سطح بانک، نسبت وام خالص به کل دارایی ها، مجموع بدهی های وام تقسیم بر کل دارایی ها بر ثبات مالی بانک ها تاثیر دارد اما متغیرهای لگاریتم طبیعی نسبت سرمایه قانونی به کل سرمایه و نسبت سرمایه بانک به دارایی بر ثبات مالی بانک ها تاثیر ندارد.

ناصر اسدی و پای فشرده (۱۳۹۷)، مقاله ای با عنوان "مدیریت ریسک در سیستم های پرداخت الکترونیکی" مورد بررسی قرار دادند. مدیریت ریسک، بنا به تعریف ICICI، یکی از مهمترین ارکان بنیادی سیستم های مالی در قرن بیست و یکم میباشد. بخش مدیریت ریسک در هر سازمان، ارایه بهترین عملکرد و بهینه سازی استفاده از سرمایه، به حداکثر رساندن ارزش داراییهای سهامداران را بعنوان هدف اصلی خود مطرح می نماید و با استفاده از تدابیر متناسب و راه کارهای به موقع، ریسک های اساسی، یعنی ریسک اعتباری، ریسک بازار و ریسک عملیاتی و تسویه حسابها را پوشش میدهد. از این جهت، آشنایی با انواع روشها و وظایف مدیریت ریسکهای مختلف از اهمیت بسزایی در توسعه فعالیتهای نوین بانکداری برخوردار میباشد.

فخرزاد و محمدحسینی (۱۳۹۷)، مقاله ای با عنوان "مدل ریسک اعتباری بازپرداخت تسهیلات مشتریان بانک ملت با استفاده از رگرسیون لجستیک" مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از برآورد نشان می دهد که براساس شاخص های آماری، رگرسیون لجستیک از نظر ضرایب و همچنین قدرت تفکیک کنندگی معنادار بوده و در مدیریت ریسک اعتباری اعطای وام بانکی از اعتبار بالایی برخوردار است. این امر می تواند مشتریان بانکی را با احتمال ۸۵ درصد پیش بینی درست در دو دسته مشتریان ریسک بالا و ریسک کم در بازپرداخت وام دسته بندی کند.

امیرسلیمی و همکاران (۱۳۹۷)، مقاله ای با عنوان "بررسی تاثیر مدیریت ریسک اعتباری در پیشبرد اهداف کلان بانکی" مورد بررسی قرار دادند. با توجه به نقش بانکها در اقتصاد، کارایی اهداف تعیین شده بانکی نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار خواهد بود. حاشیه سود، یکی از معیارهای مهم در ارزیابی کارایی بانکها، است. از طرف دیگر مقررات بانکی خود عاملی تاثیرگذار بر حاشیه سود است؛ بطوریکه هرگونه تسهیل یا تشدید مقررات، می تواند بر حاشیه سود و بنابراین بر کارایی اثرگذار باشد. از این رو بررسی عملکرد اقتصادی کشورهای گوناگون حای از این مهم است که برخورداری از الگوی کارآمدی در تخصیص سرمایه به بخش های مختلف اقتصادی با پیشرفت اقتصادی و رفاه اجتماعی در ارتباط است و از این رومدیریت ریسک اعتباری در نظام بانکی کشور نقش کارآمدی در راستای بالا بردن بهره وری بانک ها در تخصیص بهینه منابع خواهد داشت و از طرفی نظام بانکی در ایران همچون سایر کشورها نقش بسیار مهمی در اقتصاد ایفا می نماید، زیرا علاوه بر آن که بانک ها واسطه وجوه در بازار پول هستند، به سبب عدم توسعه کفایت بازار سرمایه، نقش اساسی در تامین مالی برنامه های میان مدت و بلندمدت اقتصادی دارند.

نبوی چاشمی و سام دلیری (۱۳۹۶)، مقاله ای با عنوان "رابطه بین بهسازی بانکی و مالکیت خارجی با ثبات مالی بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق حاضر نشان می دهد که در سه فرضیه اول رابطه معنادار و مستقیم و در فرضیه چهارم و پنجم رابطه معنادار و معکوسی با ثبات مالی بانک ها وجود دارد. البادری (۲۰۱۸)، در تحقیق خود به بررسی ثبات مالی بانک و مدیریت ریسک پرداخت. نتایج نشان می دهد که اثر منفی و معناداری نسبت کفایت سرمایه به ریسک اعتباری است. همچنین، اثر قابل توجه و مثبت نسبت اهرم برای ریسک اعتباری وجود دارد. علاوه بر این، نتایج نشان دهنده تاثیر منفی و قابل توجهی از اهرم، نسبت وام به سپرده ها و اندازه بانک در ریسک نقدینگی است. در نهایت، نتایج حاکی از تأثیر مثبت و معنادار نسبت کفایت سرمایه، اهرم و نسبت بهره وری به ریسک عملیاتی و نشان دهنده تأثیر منفی و معنی دار نسبت LTD نسبت به ریسک عملیاتی است.

ژانگ و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی با عنوان ریسک پذیری بانکی، کارایی و قوانین تقویت کننده در بانک های چین، بیان داشتند که اجرای قوی تر و سخت تر قوانین بانکی منجر به افزایش ریسک بانکی شده است و عملکرد بانک های تجاری بیشتر از سایر بانک ها تحت تاثیر اجرای قوانین بوده است.

سیمپر و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهشی با عنوان چگونگی کنترل مدیریت ریسک برای تجزیه و تحلیل سود بازده در بانک های کره جنوبی با اتخاذ یک رویکرد مبتنی بر سود به برآورد کارایی بانک های کره جنوبی در سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ پرداختند و مشخص کردند که از طریق در نظر گرفتن متغیرها و شاخص های تعیین کننده ریسک بانکی نظیر نسبت وام های نکول شده به عنوان متغیرهای نهاده در روش DEA می توان بازده را تعیین کرد.

دانگ و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهشی با عنوان مدیریت، بهره وری و ریسک پذیری در بانکداری چینی با در نظر گرفتن تعداد شعب بانک ها و تعداد پرسنل به عنوان نهاده، سرمایه گذاری و حجم سپرده ها به عنوان ستانده، کارایی بانک ها را با تاثیر دادن متغیرهای ریسک اعتباری و ریسک کل با استفاده از مدل DEA بدست آورده و بر همین اساس بانک ها را رتبه بندی کرده اند و رابطه معنی داری بین ریسک و دارایی به دست آورده اند.

فرضیه های پژوهش

- ۱- بین ثبات مالی بانک ها و ریسک اعتباری رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- بین ثبات مالی بانک ها و ریسک نقدینگی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- بین ثبات مالی بانک ها ریسک عملیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

مدل رگرسیونی و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه اول از مدل تحقیق البادری (۲۰۱۸) استفاده می شود که به صورت زیر است:

$$TD - TA = \alpha_0 + \beta_1 CAP - ADQ + \beta_2 NPL - TL + \beta_3 DEP - CAP - RES + \beta_4 LTD + \beta_5 LIQUIDITY + \beta_6 OI - TA + \beta_7 SIZE + \varepsilon$$

برای آزمون فرضیه دوم از مدل تحقیق البادری (۲۰۱۸) استفاده می شود که به صورت زیر است:

$$CAP_TA = \alpha_0 + \beta_1 CAP - ADQ + \beta_2 NPL - TL + \beta_3 DEP - CAP - RES + \beta_4 LTD + \beta_5 LIQUIDITY + \beta_6 OI - TA + \beta_7 SIZE + \varepsilon$$

برای آزمون فرضیه سوم از مدل تحقیق البادری (۲۰۱۸) استفاده می شود که به صورت زیر است:

$$NI - TA = \alpha_0 + \beta_1 CAP - ADQ + \beta_2 NPL - TL + \beta_3 DEP - CAP - RES + \beta_4 LTD + \beta_5 LIQUIDITY + \beta_6 OI - TA + \beta_7 SIZE + \varepsilon$$

که در آن:

مدیریت ریسک (متغیر وابسته)

به طور کلی، تمام بانکها دارای سه نوع اصلی از ریسکها را شامل می شوند که عبارتند از: ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی و ریسک عملیاتی.

ریسک اعتباری - TD-TA (Credit Risk)

بعنوان پتانسیل عملیاتی است که طبق آن وام گیرنده و یا متقاضی به تعهدات خود مطابق موافقت نامه مقررات عمل نمیکند. هدف از مدیریت ریسک اعتباری، به حداکثر رساندن ریسک پذیری بانک است. در اینجا برای سنجش ریسک اعتباری از اهرم بدهی استفاده میشود. هر چه اهرم بدهی بالاتر باشد نشان از ریسک اعتباری بالا و معایب آن است (دمریجان، ۲۰۰۸). در مقابل احمد و همکاران (۲۰۱۱) استفاده از TD-TA را بعنوان معیار مناسبی برای سنجش ریسک اعتباری در نظر گرفتند.

ریسک نقدینگی - CAP_TA (Liquidity Risk)

احتمال عدم انجام تعهدات بانک در یک بازه زمانی مشخص تعریف میشود. همچنین ریسک نقدینگی میتواند به این معنی باشد که بانک قادر نخواهد بود جریان نقدی فعلی و آتی، سود مورد انتظار و سود غیر منتظره، و یا به طور کلی وضعیت مالی را برآورده سازد. با توجه به فاراگ و همکاران (۲۰۱۳)، سرمایه بانک زیانهای را که میتواند یک وام بانکی را تهدید کند را جذب میکند.

ریسک عملیاتی - NI_TA (Operational Risk)

بعنوان ریسک از دست دادن ناشی از فرآیندهای داخلی ناکافی یا شکست خورده، مردم و سیستم ها یا رویدادهای خارجی تعریف میشود. امز و همکاران (۲۰۱۵) توضیح دادن که ریسک عملیاتی کاملاً متفاوت از دیگر ریسک های بانکی است. از آنجا که ریسک عملیاتی در هر فرآیند بانک، فرد، سیستم و حوادث خارجی بانکی درج شده است، اندازه گیری آن را با دشواری روبرو ساخته است. دیالو و همکاران (۲۰۱۵)، ریسک عملیاتی را با استفاده از هزینه های عملیاتی به سبب درآمد عملیاتی تعریف میکنند. طبق گفته ی گولپاند مگ دان (۲۰۱۲)، ریسک عملیاتی ناشی از فرآیندهای بانکی تعریف میشود و روشهای ساده، استاندارد و پیشرفته ای هم برای اندازه گیری آن استفاده میشود. از آنجا که درآمد خالص بانک، کیفیت این فرآیند را نشان میدهد، در نتیجه در اینجا از درآمد خالص به کل داراییها (NI-TA) برای اندازه گیری ریسک عملیاتی استفاده میشود.

ثبات مالی (متغیر مستقل)

ویلیام پول (۲۰۱۵)؛ مسئله ی مهمی که از بی ثباتی مالی وجود دارد این است که، بی ثباتی مالی مؤسسات عامل کلیدی نشات گرفته از بحران مالی بانکها است (البادری، ۲۰۱۸). نیازهای سرمایه ای باید با ریسک واقعی بانکها هم تراز شوند. از این رو معیارهای سنجش ثبات مالی به قرار زیر است:

نسبت کفایت سرمایه (CAP-ADQ)

نسبت کفایت سرمایه رابطه بین سرمایه بانک و دارایی های باارزش را اندازه گیری می کند. سرمایه بانکی شامل سرمایه اولیه (شامل صاحبان سهام و درآمد های ناپایدار) و سرمایه ثانویه (شامل ذخایر بازنشستگی، ابزار سرمایه ترکیبی و بدهی های کوتاه مدت، ذخایر عمومی وام و ذخائر ناشناخته) می باشد. دالکا و کونو والووا (۲۰۱۴) بیان میکنند که، ارزیابی کفایت سرمایه بانکها از اهمیت زیادی برخوردار است چرا که، ارتباط میان ریسک بانکی و سرمایه را که از شرایط ثبات مالی است، تضمین میکند.

بسیاری از محققان اثرات کفایت سرمایه و مدیریت ریسک را مورد بررسی قرار دادند، از جمله احمد و همکاران (۲۰۱۱) دریافتند که کفایت سرمایه رابطه‌ی منفی و معناداری با ریسک اعتباری دارد و از طرف دیگر رابطه‌ی معنادار و مثبتی با ریسک عملیاتی و ریسک نقدینگی دارد. نسبت کفایت سرمایه از طریق جمع سرمایه اولیه و سرمایه ثانویه بر ریسک دارایی‌ها اندازه‌گیری می‌شود.

تأمین مالی (NPL-TL)

نسبت پوششی یا همان NPL به کل وام؛ بهترین شاخص تأمین مالی در بانکهاست. علاوه بر این، نسبت پوششی یکی از بهترین ابزارهای کلان اقتصادی برای کاهش ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی بانکها است. تأمین مالی از طریق مجموعه وام‌های پرداخت نشده به کل وام‌ها محاسبه می‌شود.

نسبت اهرمی (DEP-CAR-RES)

نسبت لایحه به کل سپرده‌ها تقسیم بر سرمایه به اضافه‌ی ذخایر. ذخایر + سرمایه / سپرده = نسبت اهرمی که برای ثبات مالی بانکها این مقدار ۱۵٪ برابر یا کمتر باید باشد.

نسبت بدهی به کل سپرده‌ها (LTD)

افزایش نسبت بدهی به سپرده این اجازه را میدهد تا وام‌دهی و سرمایه‌گذاری در اوراق قرضه دولتی افزایش یابد (به منظور آزادسازی نقدینگی). نسبت بدهی به کل سپرده‌ها از طریق وام‌های کل به سپرده‌های کل محاسبه می‌شود.

نسبت پوشش نقدینگی (LCR)

نسبت نقدینگی می‌باشد که از طریق تقسیم دارایی جاری بر سپرده کل محاسبه می‌شود.

نسبت استفاده از دارایی (OI-TA)

این نسبت با تقسیم درآمد عملیاتی بر کل داراییها اندازه‌گیری می‌شود. هرچه این نسبت بالاتر باشد درجه‌ی ریسک عملیاتی کاهش می‌یابد. این نسبت رابطه‌ی مثبت و قابل توجه‌ای را با ریسک نقدینگی و عملیاتی ایفا میکند (احمد و همکاران، ۲۰۱۱).

اندازه بانک (SIZE) (متغیر کنترلی)

برای اندازه‌گیری این متغیر از دارایی‌های پایان دوره به روش لگاریتم طبیعی داراییهای بانک استفاده می‌شود.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع هدف، پژوهش کاربردی، توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. هم چنین از نظر روش و ماهیت از نوع پژوهش توصیفی-همبستگی می‌باشد. انجام پژوهش در چارچوب قیاسی-استقرائی است و اطلاعات آن از نوع پس رویدادی می‌باشد.

قلمرو زمانی تحقیق، دوره ۶ ساله ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ را در بر می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش، تعداد ۱۴ بانک (ملت، صادرات، تجارت، پاسارگاد، پارسیان، اقتصاد نوین، سامان، سرمایه، شهر، سینا، کارآفرین، انصار، خاورمیانه و دی) می‌باشد. یکی از ضروریات هر مطالعه و پژوهش وجود اطلاعات مربوط و قابل اتکاء و سرعت و سهولت دسترسی به آن می‌باشد. در این پژوهش برای گرد آوری داده‌های مورد نیاز فرضیه‌ها و هم چنین مبانی نظری پژوهش، از روش کتابخانه ای استفاده شده است. هم چنین ابزار پژوهش، صورت‌های مالی، یادداشت‌های همراه و گزارش‌های مالی شرکت‌های مورد مطالعه بوده است که این موارد توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران منتشر گردیده است. این نوع اطلاعات در سایت بورس اوراق بهادار تهران موجود بوده و آرشیو شده است و این گونه داده‌ها از نوع داده‌های ثانویه محسوب شده و مشخصاً دارای اعتبار و روایی است. و برای ایجاد پایگاه داده ای مورد نیاز از نرم افزار اکسل و EVIEWS9 استفاده شده است.

یافته های پژوهش

آمار توصیفی

به طور کلی، روش هایی را که به وسیله آن ها می توان اطلاعات جمع آوری شده را پردازش کرده و خلاصه نمود، آمار توصیفی می نامند. در این قسمت، میانگین، میانه (معیارهای مرکزی)، انحراف معیار، بشینه و کمینه (معیارهای پراکندگی) متغیرهای مورد استفاده محاسبه و در جدول شماره ۱ آورده شده است.

جدول (۱): شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

عنوان متغیر	علامت اختصاری متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
ریسک اعتباری	TD-TA	۷۸۰۴۶۳۰	۷۶۹۰۹۳۰	۴۶۹۰۷۹۰۱	۳۸۶۰۳۷۰	۲۱۳۳۹۴۰
ریسک نقدینگی	CAP_TA	۸۱۶۴۸۸۰	۷۰۴۶۳۱۰	۳۸۳۶۸۱۰۲	۲۳۲۷۳۶۰	۳۷۹۸۱۲۰
ریسک عملیاتی	NL_TA	۶۸۴۹۹۰۰	۶۷۱۷۹۴۰	۶۵۳۱۷۴۰۱	۴۵۵۴۲۳۰	۱۷۷۲۹۴۰
نسبت کفایت سرمایه	CAP-ADQ	۷۷۸۰۲۰۱۵	۰۶۴۵۹۰۱۵	۸۲۲۶۲۰۳۴	۰۰۲۶۳۱۰۸	۹۹۶۳۰۹۰۶
تامین مالی	NPL-TL	۷۰۲۳۵۲۰	۶۸۵۶۸۲۰	۳۳۳۰۲۷۰۱	۲۳۳۹۸۲۰	۲۳۲۱۵۴۰
نسبت اهرمی	DEP-CAR-RES	۹۱۰۹۵۹۰۲	۱۳۵۷۸۹۰۲	۰۶۹۹۹۰۸۷	۲۲۳۱۱۰۲۰	۱۰۵۷۶۰۱۰
نسبت بدهی به کل سپرده ها	LTD	۶۳۹۵۷۰۷۰	۶۵۴۴۴۰۷۵	۹۹۹۰۰۰۹۳	۰۰۷۵۳۹۰۸	۷۵۷۲۶۰۲۲
نسبت پوشش نقدینگی	LCR	۱۲۱۶۸۹۶	۵۰۱۰۰۹۵۹	۲۴۸۹۳۹۴۲	۰۰۰۰۱۰۴۶	۰۴۴۷۲۰۵۵
نسبت استفاده از دارایی	OI-TA	۱۰۱۸۷۶۶	۵۰۱۰۷۱۰۸	۱۹۳۹۵۹۹۶	۰۰۰۰۱۱۱۵	۰۳۰۹۳۰۶۴
اندازه بانک	SIZE	۱۷۱۰۶۰۱۳	۲۷۷۷۲۰۱۳	۴۱۴۳۳۰۱۶	۲۲۳۱۰۰۱۰	۹۶۲۱۴۳۰

بررسی پایایی متغیرها

پیش از تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، پایایی متغیرها باید بررسی شود. پایایی متغیرهای پژوهش به این معنا است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. در نتیجه، استفاده از

این متغیرها در مدل، باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود. به این منظور، از آزمون‌هایی نظیر لوین، لین و چو، آزمون ایم، پسران و شین و آزمون دیکی فولر می‌توان استفاده نمود. به منظور انجام این تحلیل، از آزمون لوین، لین و چو و دیکی فولر استفاده می‌شود. نتیجه این آزمون در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول (۲): آزمون مانایی

آزمون دیکی فولر		لوین، لین و چو		نماد	متغیرهای پژوهش
معناداری	آماره t	معناداری	آماره t		
۰,۰۰۰۰۰	-۵,۵۵۹۴۵۵	۰,۰۰۰۰	-۶,۱۵۰۵۶	TD-TA	ریسک اعتباری
۰,۰۰۰۹۳	-۳,۵۳۵۶۳۷	۰,۰۰۰۰	-۵,۴۱۸۳۴	CAP_TA	ریسک نقدینگی
۰,۰۰۰۰۱	-۵,۰۵۰۳۱۸	۰,۰۱۷۲	-۲,۱۱۶۱۱	NI_TA	ریسک عملیاتی
۰,۰۰۰۰۴	-۴,۴۹۹۶۹۵	۰,۰۰۰۰	-۳۲۸,۴۴۶	CAP-ADQ	نسبت کفایت سرمایه
۰,۰۱۵۳	-۳,۳۵۸۴۵۵	۰,۰۰۰۹۸	-۰,۸۴۲۴۷	NPL-TL	تامین مالی
۰,۰۰۰۰۰	-۶,۹۸۰۸۷۲	۰,۰۰۰۰	-۵,۴۴۵۸۰	DEP-CAR-RES	نسبت اهرمی
۰,۰۰۰۰۰	-۵,۱۴۹۰۱۷	۰,۰۰۰۰	-۲۷۷,۸۷۵	LTD	نسبت بدهی به کل سپرده ها
۰,۰۱۵۶	-۳,۳۵۳۵۸۹	۰,۰۰۰۰	-۷,۶۵۱۱۳	LCR	نسبت پوشش نقدینگی
۰,۰۰۰۱۰	-۳,۳۵۰۵۰۵	۰,۰۰۰۰	-۵,۲۰۰۹۷	OI-TA	نسبت استفاده از دارایی
۰,۰۳۱۷	-۳,۰۸۲۸۵۸	۰,۰۰۰۰	-۷,۳۲۹۰۰	SIZE	اندازه بانک

با توجه به جدول شماره ۲، مقدار سطح معناداری متغیرهای پژوهش کمتر از ۰/۰۵ درصد است و بنابراین، همگی متغیرهای پژوهش در دوره مورد بررسی در سطح پایا هستند.

آزمون مدل فرضیه اول:

برازش مدل با اثرات ثابت:

جدول (۳): برازش مدل تحقیق فرضیه اول

$TD - TA = \alpha_0 + \beta_1 CAP - ADQ + \beta_2 NPL - TL + \beta_3 DEP - CAP - RES + \beta_4 LTD + \beta_5 LIQUIDITY + \beta_6 OI - TA + \beta_7 SIZE + \varepsilon$					
متغیر وابسته: ریسک اعتباری					
سطح معنادار	آماره t	خطای استاندارد	ضرایب	شاخص	متغیر
۰,۸۸۱۳	-۰,۱۴۹۹۱۹	۰,۰۰۳۹۲۴	-۰,۰۰۰۵۸۸	CAP-ADQ	نسبت کفایت سرمایه
۰,۶۷۴۱	۰,۴۲۲۵۱۵	۰,۱۳۵۶۹۰	۰,۰۵۷۳۳۱	NPL-TL	تامین مالی
۰,۵۰۵۳	۰,۶۷۰۰۰۴	۰,۰۰۲۱۳۹	۰,۰۰۱۴۳۳	DEP-CAR-RES	نسبت اهرمی
۰,۹۵۵۸	-۰,۰۵۵۵۸۷	۰,۰۰۱۰۴۹	-۵,۸۳	LTD	نسبت بدهی به کل سپرده ها
۰,۵۲۳۷	-۰,۶۴۱۱۶۰	۶,۰۲	-۳,۸۶	LCR	نسبت پوشش نقدینگی
۰,۰۱۹۳	-۲,۴۰۰۹۴۸	۷,۷۹	-۱,۸۷	OI-TA	نسبت استفاده از دارایی
۰,۳۹۶۵	-۰,۸۵۳۷۶۲	۰,۰۳۰۷۷۹	-۰,۰۲۶۲۷۸	SIZE	اندازه بانک
۰,۵۵۴۰۰۵	ضریب تعیین	۳,۹۱۲۸۶۱		آماره F	
۰,۴۱۲۴۱۹	ضریب تعیین تعدیل شده				
۲,۳۷۰۹۹۹	مقدار دوربین-واتسون	۰,۰۰۰۰۱۷		احتمال آماره F	

در جدول ارائه شده، مدل با اثرات ثابت برآورد شده است مقدار احتمال معنی داری F برابر با ۰,۰۰۰۰۱۷ است. این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود یعنی در سطح اطمینان ۹۵ درصد مدل معنی داری وجود دارد.

میزان ضریب تعیین برابر با ۰,۵۵۴۰۰۵ یعنی در حدود ۵۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل بیان می شود. مقدار آماره دوربین واتسون برابر با ۲,۳۷۰۹۹۹ است. مقادیر نزدیک به ۲ حاکی از عدم خودهمبستگی باقیمانده ها که یکی دیگر از فروض رگرسیون است را نشان می دهد (بنابراین خودهمبستگی بین باقیمانده ها وجود ندارد).

پاسخ به فرضیه پژوهش: رابطه بین متغیر نسبت کفایت سرمایه با ریسک اعتباری با توجه به سطح معناداری بدست آمده (۰,۸۸۱۳) تایید نشد.

آزمون مدل فرضیه دوم:

برازش مدل با اثرات ثابت:

جدول (۴): برازش مدل تحقیق فرضیه دوم

CAP_TA = \alpha_0 + \beta_1 CAP - ADQ + \beta_2 NPL - TL + \beta_3 DEP - CAP - RES + \beta_4 LTD + \beta_5 LIQUIDITY + \beta_6 OI - TA + \beta_7 SIZE + \epsilon					
متغیر وابسته: ریسک نقدینگی					
متغیر	شاخص	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنادار
نسبت کفایت سرمایه	CAP-ADQ	۰,۰۰۵۴۸۵	۰,۰۰۵۴۶۲	۱,۰۰۴۲۱۱	۰,۳۱۹۱
تامین مالی	NPL-TL	-۰,۴۲۴۷۴۸	۰,۱۸۸۸۵۹	-۲,۲۴۹۰۲۶	۰,۰۲۸۰
نسبت اهرمی	DEP-CAR-RES	-۰,۰۰۶۸۲۱	۰,۰۰۲۹۷۷	-۲,۲۹۱۱۰۳	۰,۰۲۵۳
نسبت بدهی به کل سپرده ها	LTD	-۰,۰۰۵۷۸۵	۰,۰۰۱۴۶۰	-۳,۹۶۲۷۱۰	۰,۰۰۰۲
نسبت پوشش نقدینگی	LCR	-۱,۴۶	۸,۳۷	-۱,۷۴۶۱۲۰	۰,۰۸۵۷
نسبت استفاده از دارایی	OI-TA	-۹,۱۰	۱,۰۸	-۰,۸۳۹۱۴۱	۰,۴۰۴۶
اندازه بانک	SIZE	-۰,۱۵۵۸۱۰	۰,۰۴۲۸۳۹	-۳,۶۳۷۱۰۰	۰,۰۰۰۶
آماره F		۸,۳۹۹۸۴۴		ضریب تعیین	۰,۷۲۷۲۶۹
				ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۶۴۰۶۸۸
احتمال آماره F		۰,۰۰۰۰۰۰		مقدار دوربین - واتسون	۱,۶۷۰۷۳۵

در جدول ارائه شده، مدل با اثرات ثابت برآورد شده است مقدار احتمال معنی داری F برابر با ۰,۰۰۰۰۰۰ است. این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود یعنی در سطح اطمینان ۹۵ درصد مدل معنی داری وجود دارد.

میزان ضریب تعیین برابر با ۰,۷۲۷۲۶۹ یعنی در حدود ۷۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل بیان می شود. مقدار آماره دوربین واتسون برابر با ۱,۶۷۰۷۳۵ است. مقادیر نزدیک به ۲ حاکی از عدم خودهمبستگی باقیمانده ها که یکی دیگر از فروض رگرسیون است را نشان می دهد (بنابراین خودهمبستگی بین باقیمانده ها وجود ندارد).

پاسخ به فرضیه پژوهش: رابطه بین متغیر نسبت کفایت سرمایه با ریسک نقدینگی با توجه به سطح معناداری بدست آمده (۰,۳۱۹۱) تایید نشد.

آزمون مدل فرضیه سوم: برازش مدل با اثرات ثابت:

جدول (۵): برازش مدل تحقیق فرضیه سوم

متغیر وابسته: ریسک عملیاتی					
متغیر	شاخص	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنادار
نسبت کفایت سرمایه	CAP-ADQ	۰,۰۰۰۷۸۰	۰,۰۰۳۶۴۳	۰,۲۱۴۲۴۵	۰,۸۳۱۰
تامین مالی	NPL-TL	-۰,۰۹۴۱۸۸	۰,۱۲۵۹۵۸	-۰,۷۴۷۷۷۳	۰,۴۵۷۴
نسبت اهرمی	DEP-CAR-RES	۰,۰۰۱۴۰۴	۰,۰۰۱۹۸۶	۰,۷۰۷۰۷۳	۰,۴۸۲۱
نسبت بدهی به کل سپرده ها	LTD	-۰,۰۰۰۳۴۷	۰,۰۰۰۹۷۴	-۰,۳۵۶۱۷۸	۰,۷۲۲۹
نسبت پوشش نقدینگی	LCR	-۱,۷۴	۵,۵۸	-۰,۳۱۱۴۰۳	۰,۷۵۶۵
نسبت استفاده از دارایی	OI-TA	۴,۷۵	۷,۲۳	۰,۶۵۷۰۱۲	۰,۵۱۳۶
اندازه بانک	SIZE	۰,۰۴۳۳۲۹	۰,۰۲۸۵۷۱	۱,۵۱۶۵۴۶	۰,۱۳۴۴
آماره F		۲,۵۰۷۸۳۵		ضریب تعیین	۰,۴۴۳۲۵۰
				ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۲۶۶۵۰۴
احتمال آماره F		۰,۰۰۲۹۵۸		مقدار دوربین-واتسون	۱,۶۱۲۰۱۸

در جدول ارائه شده، مدل با اثرات ثابت برآورد شده است مقدار احتمال معنی داری F برابر با ۰,۰۰۲۹۵۸ است. این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود یعنی در سطح اطمینان ۹۵ درصد مدل معنی داری وجود دارد.

میزان ضریب تعیین برابر با ۰,۴۴۳۲۵۰ یعنی در حدود ۴۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل بیان می شود. مقدار آماره دوربین واتسون برابر با ۱,۶۱۲۰۱۸ است. مقادیر نزدیک به ۲ حاکی از عدم خودهمبستگی باقیمانده ها که یکی دیگر از فروض رگرسیون است را نشان می دهد (بنابراین خودهمبستگی بین باقیمانده ها وجود ندارد).

پاسخ به فرضیه پژوهش: رابطه بین متغیر نسبت کفایت سرمایه با ریسک اعتباری با توجه به سطح معناداری بدست آمده (۰,۸۳۱۰) تایید نشد.

بحث، نتیجه گیری و پیشنهادهای پژوهش

در شرایط کنونی، مدیران در تمامی سازمانها با ریسک سروکار دارند. تحولات عمده در محیط کسب و کار، مثل جهانی شدن کسب و کار و سرعت بالای تغییرات در فناوری، باعث افزایش رقابت و دشواری مدیریت در سازمانها گردیده است. در محیط کسب و کار امروز، مدیریت و کارکنان می بایست توانایی برخورد با روابط درونی و وابستگیهای مبهم و بفرنج

میان فناوری، داده ها، وظایف، فعالیتها، فرایندها و افراد را دارا باشند. در چنین محیطهای پیچیده ای سازمانها نیازمند مدیرانی هستند که این پیچیدگیهای ذاتی را در زمان تصمیم گیریهای مهمشان لحاظ و تفکیک کنند. مدیریت ریسک مؤثر که بر مبنای یک اصول مفهومی معتبر قرار دارد، بخش مهمی از این فرایند تصمیم گیری را تشکیل می دهد. به تعبیر دیگر، شناسایی و مدیریت ریسک در دنیای امروز مدیریت و سازمان، بعنوان یکی از رویکردهای جدیدی مطرح شده که برای تقویت و ارتقای اثربخشی سازمانها مورد استفاده قرار می گیرد.

ثبات فعالیت یکی از مباحثی است که ریشه در بطن واحدهای تجاری دارد. موسسات و نهادهای مالی همیشه به دنبال دستیابی به ثبات مالی، خصوصا ثبات در کسب درآمد می باشند (هو و همکاران، ۲۰۱۳). چارچوب نهادینه فعالیتها و فرایندهای سازمانی موسسات و نهادهای مالی، همان رقابت پذیری و بهسازی فعالیتهای مالی می باشد که به طور مستقیم و گاه " غیر مستقیم با فعالیتهای سودآور این نهادها در ارتباط می باشد (بیک و همکاران، ۲۰۰۵). در سازمانهای خدماتی نظیر بانکها، صنعت حمل و نقل، خدمات درمانی، بیمه، هتل ها و... ساختار مناسب و پیش بینی شده سودآوری از حساسیت بیشتری برخوردار است (چوی و حسن، ۲۰۰۵). بخشی از مالکیت بانکها و موسسات مالی در دست سهامداران عمده، سازمانهای دولتی، شرکتها (خصوصا شرکت های سرمایه گذاری) می باشد (گوپتا و همکاران، ۲۰۱۱). بنابراین ممکن است سیاستهای مالی بانکها تحت تاثیر سیاستهای مالکان عمده قرار گرفته و منجر به تغییر ثبات رویه گردد (جیون و همکاران، ۲۰۱۱).

با توجه به مطالب مطرح شده هدف اصلی پژوهش ما بررسی رابطه بین ثبات مالی بانک و مدیریت ریسک در بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. اهمیت بررسی ثبات مالی موسسات و نهادهای مالی و تاثیرگذاری این متغیرها در سایر متغیرها نشات گرفته از انگیزه های مالکان نهادی این موسسات می باشد (بارث و همکاران، ۲۰۰۴). و فرضیه های تحقیق به صورت زیر تدوین گردید:

فرضیه اول: بین ثبات مالی بانک ها و ریسک اعتباری رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین ثبات مالی بانک ها و ریسک نقدینگی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین ثبات مالی بانک ها ریسک عملیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

با ارائه سه فرضیه فوق کار تحقیق شروع گشت. پس از تدوین فرضیه ها، برای عملیاتی کردن و تعیین متغیرهایی جهت آزمون آنها، با بهره گرفتن از مبانی نظری حسابداری و تحقیقات انجام شده قبلی، متغیرهایی برای آزمون فرضیه ها مشخص گردید. این متغیرها در قالب مدل هایی برای ارزیابی فرضیه ها تنظیم و مدل ها استنتاج گردید.

پس از تعیین متغیرها، تلاش برای جستجوی روشی برای اجرای تحقیق ادامه یافت و روش رگرسیون چند متغیره، با توجه به مدل های مربوطه، بکار گرفته شد. پس از این که روش تحقیق مشخص شد، با استفاده از ابزارهای مناسب، داده های مورد نیاز برای آزمون فرضیه جمع آوری، دسته بندی و تجزیه و تحلیل و در نهایت فرضیه ها آزمون گردید.

نتایج آزمون فرضیه اول تحقیق

فرضیه تحقیق: رابطه بین ثبات مالی بانک ها و ریسک اعتباری مورد آزمون قرار گرفت. نتیجه حاصل از آزمون، حاکی از آن است که رابطه متغیرهای ثبات مالی با ریسک اعتباری تایید نشده و در نتیجه فرضیه تحقیق پذیرفته نمی شود. نتایج بدست آمده در این تحقیق با نتایج تحقیق البادری (۲۰۱۸) همسو و با نتایج تحقیق جمشیدی و رستمیان (۱۳۹۶) مغایر می باشد. البادری (۲۰۱۸) در تحقیق خود به بررسی ثبات مالی بانک و مدیریت ریسک پرداخت. نتایج تحقیق نشان دهنده تاثیر منفی و معنی دار نسبت کفایت سرمایه به ریسک اعتباری است. همچنین بین نسبت اهرمی با ریسک اعتباری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. سایر یافته های تحقیق نشان دهنده عدم وجود رابطه بین متغیرهای

نسبت اهرمی، نسبت وام به سپرده ها و اندازه بانک با ریسک نقدینگی است. در نهایت، نتایج نشان دهنده رابطه مثبت و معنادار بین متغیرهای کفایت سرمایه، نسبت اهرمی و نسبت استفاده از دارایی به ریسک عملیاتی و نشان دهنده عدم رابطه بین نسبت بدهی به کل سپرده ها با ریسک عملیاتی است. جمشیدی و رستمیان (۱۳۹۶) مدیریت ریسک در صنعت بانکداری را مورد بررسی قرار دادند. هدف محوری این مقاله بررسی ارتباط کارایی و ریسک در صنعت بانکداری ایران است. در این پژوهش به منظور ارزیابی کارایی و رتبه بندی بانکها، انتخاب مدل بهینه و سپس شناسایی تاثیر ریسکهای اعتباری، عملیاتی و نقدینگی بر کارایی نظام بانکی، از دو رویکرد پارامتریکی با مبنای اقتصادی و ناپارامتریکی بر مبنای بهینه سازی ریاضی استفاده شده است. در این راستا ۱۵ بانک به عنوان جامعه آماری پژوهش طی سال های ۱۳۹۱ - ۱۳۹۵ مورد مطالعه قرار گرفته است. همچنین یافته های مقاله بیانگر آن است که ارتباطی معنادار میان ریسک اعتباری، عملیاتی، نقدینگی و کارایی در نظام بانکی ایران وجود دارد.

نتایج آزمون فرضیه دوم تحقیق

فرضیه تحقیق: رابطه بین ثبات مالی بانک ها و ریسک نقدینگی مورد آزمون قرار گرفت. نتیجه حاصل از آزمون، حاکی از آن است که رابطه متغیرهای ثبات مالی با ریسک اعتباری تایید شده و در نتیجه فرضیه تحقیق پذیرفته می شود. نتایج بدست آمده در این تحقیق با نتایج تحقیق البادری (۲۰۱۸) و صمدی و همکاران (۱۳۹۷) همسو می باشد. البادری (۲۰۱۸) در تحقیق خود به بررسی ثبات مالی بانک و مدیریت ریسک پرداخت. نتایج تحقیق نشان دهنده تاثیر منفی و معنی دار نسبت کفایت سرمایه به ریسک اعتباری است. همچنین بین نسبت اهرمی با ریسک اعتباری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. سایر یافته های تحقیق نشان دهنده عدم وجود رابطه بین متغیرهای نسبت اهرمی، نسبت وام به سپرده ها و اندازه بانک با ریسک نقدینگی است. در نهایت، نتایج نشان دهنده رابطه مثبت و معنادار بین متغیرهای کفایت سرمایه، نسبت اهرمی و نسبت استفاده از دارایی به ریسک عملیاتی و نشان دهنده عدم رابطه بین نسبت بدهی به کل سپرده ها با ریسک عملیاتی است. صمدی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی تاثیر ریسک نقدینگی و ریسک اعتباری بر پایداری مالی در صنعت بانکداری ایران؛ رهیافت رگرسیون چندک پرداختند. نتایج بررسی نشان دهنده تاثیر منفی و معنی دار این دو ریسک بر پایداری مالی در اکثر دهک های مورد بررسی است به طوری که با افزایش در پایداری مالی تاثیر این دو ریسک بر پایداری کاهش می یابد. به بیان دیگر بانک هایی که در دهک های بالای توزیع پایداری قرار دارند تاثیرپذیری کمتری از ریسک های اعتباری و نقدینگی دارند.

نتایج آزمون فرضیه سوم تحقیق

فرضیه تحقیق: رابطه بین ثبات مالی بانک ها ریسک عملیاتی مورد آزمون قرار گرفت. نتیجه حاصل از آزمون، حاکی از آن است که رابطه متغیرهای ثبات مالی با ریسک اعتباری تایید نشده و در نتیجه فرضیه تحقیق پذیرفته نمی شود. نتایج بدست آمده در این تحقیق با نتایج تحقیق البادری (۲۰۱۸) همسو و با نتایج خوش سیما و شهیکی تاش (۱۳۹۱) مغایر می باشد. البادری (۲۰۱۸) در تحقیق خود به بررسی ثبات مالی بانک و مدیریت ریسک پرداخت. نتایج تحقیق نشان دهنده تاثیر منفی و معنی دار نسبت کفایت سرمایه به ریسک اعتباری است. همچنین بین نسبت اهرمی با ریسک اعتباری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. سایر یافته های تحقیق نشان دهنده عدم وجود رابطه بین متغیرهای نسبت اهرمی، نسبت وام به سپرده ها و اندازه بانک با ریسک نقدینگی است. در نهایت، نتایج نشان دهنده رابطه مثبت و معنادار بین متغیرهای کفایت سرمایه، نسبت اهرمی و نسبت استفاده از دارایی به ریسک عملیاتی و نشان دهنده عدم رابطه بین نسبت بدهی به کل سپرده ها با ریسک عملیاتی است. خوش سیما و شهیکی تاش (۱۳۹۱) به بررسی تاثیر

ریسکهای اعتباری، عملیاتی و نقدینگی بر کارایی نظام بانکی ایران پرداختند. یافته های مقاله بیانگر آن است که ارتباطی معنادار میان ریسک اعتباری، عملیاتی، نقدینگی و کارایی در نظام بانکی ایران وجود دارد.

محدودیت‌های پژوهش

اساس و پایه هر تحقیق اطلاعاتی است که فرضیه‌های تحقیق با استفاده از آن‌ها آزمون می‌شود. بدیهی است هر قدر اطلاعات دقیق‌تر و کامل‌تری در اختیار محقق قرار گیرد، نتایج حاصل از تحقیق نیز قابل اتکاتر است و تحقیق انجام شده اعتبار بیشتری خواهد داشت.

- ۱- یکی از محدودیت‌های تحقیق، وجود برخی اختلاف‌ها بین اطلاعات آماری گزارش شده از سوی سایت شرکت بورس و اطلاعات مندرج در بانک‌های اطلاعاتی است که در این مورد به اطلاعات ارائه شده از سوی سایت بورس اتکا شد.
- ۲- اطلاعات جمع‌آوری شده در این تحقیق شامل بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۶ می‌باشد، از آنجایی که با افزایش اطلاعات و تعداد مشاهدات نتایج آزمون و به طبع آن نتیجه تحقیق از اعتبار بالاتری برخوردار می‌گردد، ممکن است با افزایش دوره زمانی نتایج متفاوتی حاصل گردد.
- ۳- با آن‌که در جمع‌آوری اطلاعات سعی و دقت فراوان صورت گرفته لیکن به دلیل ضعف منابع اطلاعاتی بخصوص در مورد ثبات مالی بانک‌ها، چند مورد از بانک‌ها از نمونه آزمون کنار گذاشته شدند.

پیشنهاد‌هایی مبتنی بر نتایج پژوهش

۱- با توجه به نتایج حاصل از فرضیه اول، توجه به مدیریت ریسک در راستای افزایش کارایی نظام بانکی و ثبات مالی بانک‌ها را نشان می‌دهد زیرا عدم توجه به مدیریت ریسک اعتباری می‌تواند چالش‌های زیر را در بلندمدت برای بانک ایجاد کند:

- عدم توجه به کفایت سرمایه لازم به ویژه در زمان اعطای تسهیلات به فعالیت‌های پر ریسک.
 - عدم امکان ارزیابی صحیح از کیفیت دارایی‌های بانک.
 - عدم امکان رقابت با بانک‌های دارای مدیریت مناسب ریسک.
- ۲- با توجه به نتایج حاصل از فرضیه دوم پژوهش تاثیر عامل ریسک نقدینگی بر موقعیت مالی بانک‌ها و موسسات مالی انکارناپذیر است و به همین دلیل می‌تواند به صورت بالقوه تصمیم‌های مالی را تحت تاثیر قرار دهد. وجود ریسک نقدینگی در بانک‌ها می‌تواند تبعاتی به شرح زیر داشته باشد:
- افزایش بدهی به بانک مرکزی، به طوری که بانک‌ها به منظور پوشش نقدینگی مورد نیاز مجبور به اخذ تسهیلات از بانک مرکزی می‌شوند.
 - کاهش ارزش سهام بانک، زمانی که بانک با مشکل نقدینگی مواجه می‌شود، برای تامین آن اقدام به فروش دارایی‌های خود به قیمتی کمتر از ارزش بازار می‌کند، بنابراین با کاهش ارزش دارایی‌ها، ارزش سهام بانک هم کاهش می‌یابد.
- ۳- با توجه به نتایج حاصل از فرضیه سوم پژوهش توجه به ریسک عملیاتی باید مورد توجه بانک‌ها قرار گیرد چرا که زیان‌های برگرفته از ریسک‌های عملیاتی که سازمان‌های مختلف از جمله بانک‌ها به علت رشد استفاده از فن‌آوری و افزایش ارتباطات میان مشتریان و بازارهای سرمایه با آن درگیر هستند، به طور عمده ناشی از سرقت داخلی، سرقت خارجی، فرایند سازمان در امور مربوطه به استخدام کارکنان و ایمنی محیط کاری، فرایندهای مرتبط با مشتریان، محصولات و کسب و کار، آسیب به دارایی‌های فیزیکی و ... هستند.

پیشنهادی برای پژوهش‌های آینده

- به منظور استفاده هرچه بیشتر از نتایج تحقیق و نیز کمک به روشن شدن رابطه بین ثبات مالی بانک‌ها و مدیریت ریسک در آینده می‌توان به موضوع‌های زیر توجه بیشتری نمود:
- ۱- بررسی تاثیر متغیرهای کلان اقتصادی، مانند: تورم، بهای نفت و نرخ ارز بر رابطه ثبات مالی بانک‌ها و مدیریت ریسک.
 - ۲- تاثیر ثبات مالی بانک‌ها از طریق کنترل نوسانات بازده دارایی‌ها، کنترل نوسانات بازده حقوق صاحبان سهام، کنترل نسبت سرمایه، نسبت نوسانات مالکیت خارجی بر ارزش ذاتی بانک‌ها.
 - ۳- تاثیر متغیرهای ثبات مالی بر بازده مورد انتظار سهام بانک‌ها.
 - ۴- بررسی تاثیرگذاری ثبات مالی بر رتبه اعتباری بانک‌ها.
 - ۵- بررسی تاثیر متغیرهای ثبات مالی بانکی بر ریسک سیستماتیک بانک‌ها.
 - ۶- تاثیرگذاری ثبات مالی بانک‌ها بر تغییرات سود بانک‌ها.

منابع

- ✓ بزرگ اصل، موسی، صمدی، محمد تقی، برزیده، فرخ، (۱۳۹۶)، رابطه بین ریسک نقدینگی و ریسک اعتباری و تاثیر آن بر ناپایداری مالی در صنعت بانکداری ایران، فصلنامه پژوهش‌های پولی - بانکی، سال دهم، شماره ۳۳، صص ۵۰۹-۵۳۱.
- ✓ بیابانی، زینب، (۱۳۹۷)، ورشکستگی بانکی و جایگاه نظام گزیر در اثبات مالی کشور، بیست و هشتمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی: با موضوع: اصلاحات ساختاری برای ثبات مالی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی.
- ✓ تاجمیر ریاحی، حمید، (۱۳۹۱) بررسی رابطه شاخص‌های حسابداری مدیریت ریسک و بازده سهام در بانک‌ها، فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال اول، شماره اول، صص ۷۳-۸۳.
- ✓ ثمربخش تهرانی، ستاره، (۱۳۹۶)، بررسی تاثیر انواع ریسک، مدیریت و ارزیابی ریسک عملیاتی در بانکداری الکترونیک، دومین کنفرانس ملی مدیریت مهندسی، آستانه اشرفیه، موسسه آموزش عالی مهرآستان گیلان.
- ✓ جهانخانی، علی، طالبی، علی، (۱۳۷۸)، «بررسی و نقد انواع شاخص‌های نقدینگی شرکت‌ها»، مجله تحقیقات مالی، شماره ۱۳-۱۴، صص ۶-۳۷.
- ✓ جهانی، طاهره، (۱۳۹۷)، تاثیر مدیریت ریسک اعتباری بر سودآوری بانکی (مطالعه موردی بانک ملت)، کنفرانس ملی رهیافت‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تهران، موسسه آموزش عالی کار واحد خرمدره.
- ✓ حسن زاده، علی، (۱۳۹۰)، «کارایی و عوامل موثر بر آن در نظام بانکی ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی جستارهای اقتصادی، دوره ۴، شماره ۷، صص ۷۵-۹۸.
- ✓ حسینی، سید محمدحسین، سید مطهری، سید مهدی، (۱۳۹۱)، بررسی رابطه‌ی استفاده از فنون مدیریت ریسک بنگاه‌های فعال در صنایع غذایی با نرخ بازده حقوق صاحبان سهام، فصلنامه پژوهش حسابداری، سال ۲، شماره ۶، صص ۱۲۵-۱۴۲.
- ✓ خوش سیما، رضا، شهیکی تاش، محمد نبی، (۱۳۹۱)، تاثیر ریسک‌های اعتباری، عملیاتی و نقدینگی بر کارایی نظام بانکی ایران، برنامه ریزی و بودجه، سال هفدهم، شماره ۴، صص ۹۵-۶۹.

- ✓ راعی، رضا، سعیدی، علی، (۱۳۸۵)، مبانی مهندسی مالی و مدیریت ریسک، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- ✓ رحیمی، حسین، مهدویانی، فریبا، (۱۳۹۷)، بررسی تاثیر ساختار سرمایه بر ثبات مالی بانک ها، اولین همایش ملی مدیریت و اقتصاد با رویکرد اقتصاد مقاومتی، مشهد، دانشگاه پیام نور خراسان رضوی.
- ✓ سپهوند، مهرداد، منفرد، هما، بلوریان، سودابه، (۱۳۹۷)، بررسی تاثیر عدم ثبات در بازارهای مالی بر ساختار حکمرانی و اقتدار بانک های مرکزی، بیست و هشتمین همایش سالانه سیاست های پولی و ارزی: با موضوع: اصلاحات ساختاری برای ثبات مالی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی.
- ✓ سهمانی اصل، محمدعلی، نیکویی، علی، (۱۳۹۶)، مروری بر مباحث کارایی و ریسک در بانک ها، دومین کنفرانس بین المللی مدیریت و حسابداری، تهران، موسسه آموزش عالی صالحان.
- ✓ فخرزاد، محمدباقر، محمد حسنی، حسام، (۱۳۹۷)، مدل ریسک اعتباری بازپرداخت تسهیلات مشتریان بانک ملت با استفاده از رگرسیون لجستیک، چهارمین کنفرانس بین المللی مهندسی صنایع و سیستم ها، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ✓ طایفه محمد، پیمان، (۱۳۹۶)، شناخت رابطه بین بهسازی بانکی و مالکیت خارجی با ثبات مالی بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دومین کنفرانس بین المللی مدیریت و حسابداری، تهران، موسسه آموزش عالی صالحان.
- ✓ عربی، سید هادی، شاه جمالی، مهدیه، (۱۳۹۷)، مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری بدون ربای ایران، دومین کنفرانس بین المللی یافته های نوین در حسابداری، مدیریت، اقتصاد و بانکداری، تهران، شرکت همایش آروین البرز، دانشگاه شهید بهشتی.
- ✓ عزیزی، آریا، (۱۳۹۷)، بحران های مالی و دلایل ثبات مالی نسبی بانکداری اسلامی در سطح بین المللی، فصلنامه حقوقی قانون یار، دوره ۲، شماره ۵، صص ۲۶۱-۲۷۶.
- ✓ کوهزادی، فواد، امیرسلیمی، فقرالنسا، ادیب، اقبالیار، (۱۳۹۷)، بررسی تاثیر مدیریت ریسک اعتباری در پیشبرد اهداف کلان بانکی، سومین کنفرانس بین المللی مدیریت، حسابداری و حسابرسی پویا، تهران، دانشگاه صالحان.
- ✓ مالکی نیا، ناهید، اردبیلی، محمدحسن، عالم تبریز، اکبر، (۱۳۹۱)، بررسی کاهش سطح ریسک اعتباری را با استفاده از مدل پرتفوی بهینه وام در شعب بانک صادرات اردبیل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم و مدیریت و حسابداری.
- ✓ میرباقری، اسماعیل، پایندان، احسان، (۱۳۸۶)، کنگره مدیریت ریسک در امور مالی و بیمه، صص ۱-۷.
- ✓ نادری کرج، محمود، صادقی، حسین، (۱۳۹۰)، «بررسی کارایی بانکداری بدون ربا در کشورهای مختلف و مقایسه بانک های غیر ربوی در جهان با استفاده از روش تحلیل پوششی داده ها»، فصلنامه پژوهش های اقتصادی، تهران، دوره ۳، شماره ۹، صص ۲۵-۵۸.
- ✓ ناصراسدی، علی، پای فشرده، سیدمهدی، (۱۳۹۷)، مدیریت ریسک در سیستم های پرداخت الکترونیکی، دومین همایش ملی دانش و فناوری مهندسی برق، کامپیوتر و مکانیک ایران، تهران، موسسه برگزار کننده همایش های توسعه محور دانش و فناوری سام ایرانیان.
- ✓ نبوی چاشمی، سید علی، سام دلیری، بهنام، (۱۳۹۶)، بررسی رابطه بین بهسازی بانکی و مالکیت خارجی با ثبات مالی بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، کنفرانس سالانه پارادایم های نوین مدیریت در حوزه هوشمندی، تهران، دبیرخانه دائمی کنفرانس، دانشگاه تهران.

- ✓ ولی پور پاشاه، محمد، (۱۳۹۷)، ویژگی های ساختار تطبیق برای تحقق ثبات مالی، بیست و هشتمین همایش سالانه سیاست های پولی و ارزی، با موضوع: اصلاحات ساختاری برای ثبات مالی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی.
- ✓ هادیان، مهدی، حسن درگاهی، (۱۳۹۶)، نقش سیاست های اقتصاد کلان در ثبات مالی اقتصاد ایران، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران.
- ✓ یعقوب نژاد، احمد، وکیلی فرد، حمیدرضا، (۱۳۸۹)، ارتباط بین مدیریت ریسک سرمایه در گردش و سودآوری در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله مهندسی مالی و مدیریت پرتفوی، شماره دوم، صص ۱۱۷-۱۳۷.

- ✓ Ahmed Elbadry (2018), Bank's financial stability and risk management, Journal of Islamic Accounting and Business Research.
- ✓ Afzal, Ayesha and NawazishMirza, (2012), "Size, Diversification and Risk: Preliminary Evidence from Commercial Banks in Pakistan", Pak. J. Commer.Soc. Sci., Vol. 6, No.2, pp.282-296.
- ✓ Ahmed Naveed, Akhtar Muhammad, Usman Muhammad, (2011), "RiskManagement Practices and Islamic Banks: An Empirical Investigation fromPakistan", Interdisciplinary Journal of Research in Business, Vol.1, No.6, pp.50-57.
- ✓ Akhtar, Mohamed Hanif, (2010), Are Saudi Banks Productive and Efficient?International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance andManagement, Vol.3, No. 2, pp.95-112.
- ✓ Al-Jazira Capital, (2015), Saudi Banking Sector, Sector Update, March, pp.1-7.Basel Committee on Banking Supervision (1996) "Amendment to the Capital Accord to incorporate market risks," January, available .
- ✓ Ames, Mark; TilSchuermann; and Hal S. Scott (2015) "Bank capital foroperational risk: A tale of fragility and instability", Journal of Risk Managementin Financial Institutions, Vol. 8, No. 3, pp. 227-243.
- ✓ Basel Committee on Banking Supervision (1999), "Principles for the Managementof Credit Risk", Working paper, available at <http://www.bis.org/publ/bcbs54.pdf>.
- ✓ Basel Committee on Banking Supervision (2010), "Funding liquidity risk:definition and measurement", Working paper, available .
- ✓ Basel Committee on Banking Supervision (2011) "Operational Risk – SupervisoryGuidelines for the Advanced Measurement Approaches" Working paper, availableat <http://www.bis.org/publ/bcbs196.pdf>.
- ✓ Basel Committee on Banking Supervision (2011), "Principles for the SoundManagement of Operational Risk" Working paper, available at<http://www.bis.org/publ/bcbs195.pdf>.
- ✓ Basel Committee on Banking Supervision (2013) "Basel III: The LiquidityCoverage Ratio and liquidity risk monitoring tools" Working paper, available at<http://www.bis.org/publ/bcbs238.pdf>.
- ✓ Basel Committee on Banking Supervision (2015) "Revisions to the StandardisedApproach for credit risk" Working paper, available at<http://www.bis.org/bcbs/publ/d347.pdf>.
- ✓ Basel Committee on Banking Supervision (2011) "Basel III: A global regulatoryframework for more resilient banks and banking systems", Bank forInternational Settlements, pp.1-77.
- ✓ Basel Committee on Banking Supervision (2013) "Basel III: The Liquidity Coverage Ratio and liquidity risk monitoring tools", Bank for International Settlements, pp.1- 75.
- ✓ Dalecka, Snezhanaand NataliaKonovalov (2014) " Bank Capital Adequacy Evaluation and Measurement: Problems and Solutions ",Journal of Business Management, No. 8, pp.105-119.

- ✓ Demerjian, Peter (2007) "Financial Ratios and Credit Risk: The Selection of Financial Ratio Covenants in Debt Contracts", AAA (2007) Financial Accounting & Reporting Section (FARS) Meeting Paper , pp.1-42.
- ✓ Denham, Bryan E.(2010) "Measurement of risk perceptions in social research: a comparative analysis of ordinary least squares, ordinal and multinomial logistic regression models", Journal of Risk Research,, Vol. 13, No 5, pp. 571-589.
- ✓ Diallo, Ousmane; Fitrijanti, Tettet; Tanzi, Nanny Dewi. GadjahMada (2015) "Analysis of the Influence of Liquidity, Credit and Operational Risk, in Indonesian Islamic Bank's Financing for the Period (2007-2013).",International Journal of Business. Vol. 17, No. 3, p279-294.
- ✓ Farag, Mark; Damian Harland and Dan Nixon (2013), "Bank Capital and Liquidity", Bank of England Topical Articles, Quarterly Bulletin Q3, pp. 201- 215.
- ✓ Finman, Joshua; Jana Deschler and ChristophHinkelmann, 1993, "Reserve Requirements: History, Current Practice, and Potential Reform", Federal Reserve Bulletin, June, pp. 569-589.
- ✓ Forero , Fernando Perez and Marco Vega, (2014), "The Dynamic Effects of Interest Rates and Reserve Requirements", The Central Reserve Bank of Peru, pp. 1-33.
- ✓ Friewald, Nils; Cristian Wagner; and Josef Zechner (2014) "The Cross-Section of Credit Risk Premia and Equity Returns, Journal of Finance, Vol. LXIX, No. 6, pp.2419-2469.
- ✓ Gray, Simon, (2011), "Central Bank Balances and Reserve Requirements", IMF Working Paper, pp.1-56.
- ✓ Hair, J., Black, W., Babin, B., Anderson, R., &Tatham, R. (2006). Multivariate data analysis (6th ed.). Uppersaddle River, N.J.: Pearson Prentice Hall.
- ✓ Haneef, Shahbaz; Riaz, Tabassum; Ramzan, Muhammad; Mansoor Ali Rana; Hafiz, Muhammad Ishaq; (2012), "Impact of Risk Management on NonPerforming Loans and Profitability of Banking Sector of Pakistan", International Journal of Business and Social Science , Vol.3, No.7, pp. 307- 315.
- ✓ Kulpa,Wincenty; Magdon, Antoni (2012) "Oprational Risk Management in a Bank", Internal Auditing & Risk Management, Vol. 7, No. 4, p35-50.
- ✓ Muritala,TaiwoAdewale and Abayomi Samuel Taiwo, (2014), "Does Bank Capitalization Lead to High Liquidity Creation? - Evidence from Nigerian Banking Sector Using Panel Least Square Method", IUP Journal of Bank Management,Vol. 13, No.1, pp.53-62.
- ✓ Park ,Hyunggeun; Hyunwoo Jun; and Dokyung Lee, (2015), "Evaluation on the usefulness of the loan-to-deposit ratio regulation from the macroprudential policy perspective, Bank of Korea working paper, pp. 1-26.
- ✓ Poole, William, (2015), "Basel II: Good for Banks, Good for Financial Stability" The Regional Economist, p.3.
- ✓ Rengasamy, Dhanuskodi, (2014), "Impact of Loan Deposit Ratio (LDR) on Profitability: Panel Evidence from Commercial Banks in Malaysia", Proceedings Downloaded by University of Leicester At 05:30 23 January (2018) (PT) of the Third International Conference on Global Business, Economics, Finance and Social Sciences, pp. 1-12.
- ✓ Saudi Arabian Monetary Agency, 2015, Financial Stability Report, p.12.
- ✓ Saunders A, E Strock, NG Travlos, (1990),"Ownership structure, deregulation, and bank risk taking", The Journal of Finance, Vol.45, no.2, pp.643-654.
- ✓ Yaganti, C. Hussain; Kamaiah, B.; Gupta, Harshita (2015) "Exchange Traded Currency Future Markets and Risk Management in India", Journal of International Economics, Vol. 6, No. 2, pp.13-22.